نسیم جنوب

www nasimjonoub COM

سال بیست و ششم - شماره ۱۰۵۲
دو شنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۲ ۸ صفحه - ۵۰۰۰ تومان
(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)



شاهین تابان بوشهر در آستانه فروش

پرورش دهندگان عضو اتحادیه پرورش میگو استان بوشهر:

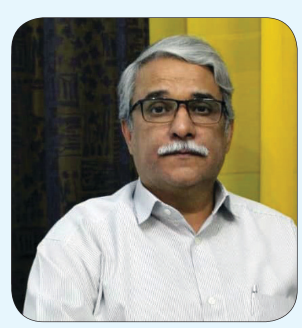
به فکر احیا و بازگشت دوباره میگوی پرورشی در مسیر تولید باشید

چراغ مطبوعات محلی بوشهر را خاموش نکنید!

ناصر علیخواه

مطبوعات بوشهر را چه شده است؟

عبدالرحمن برزگر



بحرانِ بازتولید بحران در نسل ها

دکتر سجاد بهزادی



ابهام در برگزاری شفاف مناقصات و مزایده‌های ادارات دولتی استان بوشهر

قاسم محمدی



ایرانجوان و سوگواره فوتبال بوشهر

مجید غاله



وعده شورای شهر بوشهر:

تا پایان سال تمامی کوچه‌های خاکی شهر بوشهر آسفالت می‌شود

رئیس شورای اسلامی شهر بوشهر گفت: در مدت باقیمانده تا پایان فعالیت شورای ششم بوشهر تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام، آسفالت کوچه‌ها و توجه به محلات کم برخوردار سه اولویت اصلی این شورا است.

وی افزود: یکی از دغدغه‌های جدی شهروندان و اعضای شورا آسفالت کوچه ها بود از همین رو از سال گذشته اقدام جهادی بسیار خوبی در زمینه آسفالت معابر و کوچه ها شروع شده که با تامین اعتبار لازم تا پایان سال تمامی کوچه های خاکی شهر بوشهر آسفالت و از سال آینده برنامه ریزی جهت روکش آسفالت خیابان‌ها و معابر در دستور کار قرار می‌گیرد.

پلمپ ۱۰ واحد صنفی بدلیل استفاده از اسامی بیگانه در استان بوشهر

معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر گفت: ۱۰ واحد در راستای اجرای قانون منع به کارگیری اسامی بیگانه در استان پلمب شدند.

یک سوم کشته‌شدگان حوادث رانندگی بوشهر، موتورسوار هستند

مدیر روابط عمومی اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان بوشهر گفت: با توجه به آمار بالای راکبان موتورسیکلت در استان، به طور میانگین از هر سه نفر کشته‌شدگان حوادث رانندگی در جاده‌های برون شهری استان بوشهر یک نفر موتورسوار یا راکب آن می‌باشد که نگران‌کننده است.

آمارهای کشوری از وجود ۱۵ میلیون موتورسیکلت در سطح کشور حکایت دارد و تخمین زده می‌شود این آمار در استان بوشهر بیش از ۴۰۰ هزار دستگاه باشد.

پرورش‌دهندگان عضو اتحادیه پرورش میگو استان بوشهر:

به فکر احیا و بازگشت دوباره میگوی پرورشی در مسیر تولید باشید

اسکندر گلستانی – مدیر عامل اتحادیه پرورش دهندگان میگوی استان بوشهر



اعضا محترم کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس شورای اسلامی

با سلام و احترام، با گرامیداشت سال "مهار تورم و رشد تولید" به فرمایش مقام معظم رهبری و تشکر فراوان از اختصاص وقت برای بررسی مسائل و مشکلات پرورش میگو، باستحضار می‌رساند بعد از بروز بیماری نکروز عفونی حاد هپاتوپانکراس (AHPND) طی سالجاری در مزارع پرورش میگوی کشور، پرورش دهندگان دچار خسارت و آسیب فراوان شده اند و تصمیمات کمیسیون محترم می تواند در احیا و بازگشت دوباره میگوی پرورشی بر مسیر تولید بسیار موثر واقع شود لذا اینجانبان پرورش‌دهندگان عضو اتحادیه پرورش میگو در خواست‌های خود را به شرح ذیل تقدیم می‌داریم.

ان‌شالله که با عنایت به موارد ذیل و دستورات لازم موجب خوشحالی این قشر زحمتکش جامعه آبزی‌پروری کشور و رشد دو باره تولید میگو در کشور باشیم:

۱- جبران خسارت به پرورش دهندگان

خسارت های وارده به پرورش دهندگان از این بیماری بسیار زیاد بوده و برای کمک به پرورش‌دهندگان از دولت محترم و کمیسیون محترم تقاضا داریم تا با اتخاذ راهکاری از محل اعتبارات ستاد حوادث غیر مترقبه و یا هر محل دیگری که صلاح می‌دانند نسبت به تامین‌بخشی از خسارتها اقدام گردد.

۲- موافقت با واردات میگوی مولد از مبدا آمریکا

مزید استحضار مولد میگو (مادر میگو) در سال‌های ۱۳۸۴و ۱۳۸۵ از آمریکا وارد گردیده و به دلیل فرسایش ژنی این مولدین و ضعیف شدن آن‌ها هم از نظر رشد و هم از نظر حساسیت به بیماری‌ها، ضرورت دارد تا جمعیت‌های جدید برای سال جاری وارد کشور شده و بچه میگوهای مقاوم به بیماری و رشد بهتر در دسترس پرورش‌دهندگان قرار گیرد.

۳- تامین سرمایه در گردش:

در سال جاری بدلیل بروز بیماری پرورش‌دهندگان خسارت دیده منابع مالی خود را ازدست داده و برای بازگشت به چرخه تولید در سال آینده تقاضا دارد بانک کشاورزی نسبت به تامین سرمایه در گردش برای هر مزرعه به میزان ده میلیارد تومان اقدام لازم بعمل آورد.

۴- ترمیم و بازسازی زیر ساخت‌های فرسوده شده

یکی از مهم‌ترین عوامل بروز بیماری فرسودگی و کهنه شدن زیر ساخت‌های مجتمع‌های پرورشی می‌باشد. از کمیسیون محترم تقاضا داریم تا با اختصاص اعتبار لازم نسبت به ترمیم و بازسازی این زیرساخت‌ها که شامل کانال‌های آبرسان، کانال‌های زهکش، برق مجتمع های پرورشی و جاده‌های دسترسی می‌باشد اقدام شود. درخصوص برق مجتمع های پرورش میگو بعنوان مثال در حالیکه در استان بوشهر حدوداً ۳۴۰۰ مگاوات برق روزانه تولید میشود، میزان مصرف کل مجتمع های پرورشی ۶۵ مگاوات در روز و آن هم در سه ماه از سال می‌باشد. لذا ضرورت دارد برای استمرار تولید وزارت نیرو همکاری لازم مبذول فرمایند.

۵- اعتبار لازم برای اصلاح ساختار مزارع پرورشی رشد تولید میگو درکشور و ماندن صنعت میگوی پرورشی کشور در جمع رقبای منطقه ایی و جهانی نیازمند ورود فن آوری های جدید به این صنعت و اصلاح ساختارهای فعلی می‌باشد. ضرورت دارد برای این‌که از کشورهای منطقه و جهان عقب نمانیم، پرورش‌دهندگان میگوی کشور به استفاده از تکنیک های جدید پرورش میگو اهتمام ورزیده و روش‌های قدیمی را کنار بگذارند.

برای این منظور و اصلاح ساختار مزارع پرورشی، هر مزرعه پرورشی نیازمند دو میلیارد تومان اعتبار به صورت وام های بلند مدت می‌باشد، لذا خواهشمند است کمیسیون محترم دستورات لازم را به دولت محترم و بانک‌های کشور برای تخصیص این اعتبار مبدول بفرمایند.

۶- اصلاح ساختار صندوق بیمه محصولات کشاورزی: صنعت میگو یکی از بخش‌های تولیدی پرخطر و پرریسک می‌باشد و ضرورت بازنگری در ساختار صندوق بیمه محصولات کشاورزی و واقعی شدن بیمه میگوی پرورشی از فوری‌ترین درخواست پرورش‌دهندگان می‌باشد. متاسفانه تا کنون پرورش‌دهندگان علیرغم بیمه نمودن مزارع خود، کمکی از صندق بیمه دریافت ننموده و مبالغ تعیین شده برای جبران خسارت وارده تناسبی با میزان خسارت‌ها ندارد.

در خاتمه از اعضا محترم کمیسیون کشاورزی و نمایندگان معزز دعوت می‌شود برای بازدید و مشاهده خسارت‌های وارده و همچنین ارائه رهنمودهای لازم به استان بوشهر سفر نمایند.

رییس سازمان اداری و استخدامی:

فعلاً برنامه ای برای افزایش حقوق در نیمه دوم سال نداریم

رییس سازمان اداری و استخدامی در پاسخ به این پرسش که آیا در نیمه دوم سال حقوق کارمندان و بازنشستگان افزایش خواهد یافت؟ گفت: حقوق بازنشستگان در اختیار ما نیست و درخصوص افزایش حقوق کارکنان در نیمه دوم سال نیز فعلاً برنامه ای نداریم.

برخی از نمایندگان مجلس اظهار کردند که دولت در راستای همسان‌سازی حقوق‌ها، تصمیم دارد ۲۰ درصد افزایش حقوق را برای کارکنان و بازنشستگان در نیمه دوم سال اعمال کند.

میثم لطیفی، رییس سازمان اداری و استخدامی در پاسخ به این پرسش شفقنا که آیا در نیمه دوم سال حقوق کارمندان و بازنشستگان افزایش خواهد یافت؟ گفت: حقوق بازنشستگان در اختیار ما نیست و درخصوص افزایش حقوق کارکنان در نیمه دوم سال نیز فعلاً برنامه ای نداریم.

بی‌اعتمادی، معلول سیاست‌ها

مرتضی مبلغ، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، در گفت‌وگو با انتخاب درباره نقش دولت سیزدهم در تقویت حس بی‌اعتمادی میان مردم گفت: «مهم‌ترین عامل برای این بی‌اعتمادی‌ها به عملکردها برمی‌گردد. اگر بخواهیم سهم عمده را به نهاد دولت بدهیم، در برخی از دولت‌ها به‌ویژه در دولت اصلاحات، میزان اعتماد مردم و تحقق وعده‌ها قابل قبول بود. اگر بخواهیم عامل مهم دیگر در این زمینه را در نظر بگیریم، رویکردها و سیاست‌های اساسی است. آقایان به دنبال این هستند که یکسری از ذهنیت‌های خودشان را که با نیازهای امروز ایران و قانون همراه نیست به مردم تحمیل کنند. این وضعیت جامعه را به واکنش وامی‌دارد و مشکلات جدی برای مردم ایجاد کرده است.» وی در ادامه افزود: «بی‌اعتمادی معلول سیاست‌ها و رویکردهاست... همین اقدامی که در مورد اصلاح قانون انتخابات شد، یک حرکت فاجعه‌آمیز بود. اگر کمترین دقت و درکی از واقعیت وجود داشت این کار را انجام نمی‌دادند.»

حاج حمید فقیه هم آسمانی شد

بدرود شاهینی وفادار

رضا سیاهوشی



انسانی شریف ، دلسوز و زحمتکشی که معلم زندگی بسیاری در درس، مشق، ادب، معرفت و انسانیت بود.

واقعا شغل شریف، مقام والای معلمی و مدیریت مدرسه هم برازنده افراد متشخص و با اخلاقی همچون زنده یاد «فقیه» بود.

«حاج حمید» از هواداران فهیم فوتبال بود که به باشگاه و تیم مورد علاقه‌اش(شاهین) بسیار تعصب داشت و وفادار ماند.همیشه درکنار تیم بود، حتی در زمان تمرین و نشسته بر موتور و یا هنگام مسابقه روی سکوها.

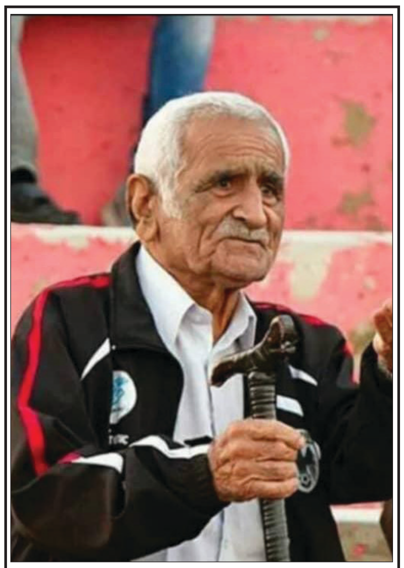
بسیار آرام، ساکت، متین و هیچ وقت کسی را بخاطر فوتبال از خود نرنجاند. اما چه باید کرد و گفت که بقول شاعر زیبا سخن سهراب سپهری:

مرگ در آب و هوای خوش اندیشه نشیمن دارد.

مرگ در ذات شب دهکده از صبح سخن می گوید.

و چنین شد که دست اجل، گرمای وجود و حضور «حاج حمید فقیه» را در گرمای داغ تابستان و در آخرین روز مردادماه، از دنیا کوتاه نمود تا فقط یاد، خاطرات و تجربه خوب زیستن آن مرد دوست‌داشتنی را باقی گذارد!

روانش شاد و یادش مانا.



درگذشت زنده یاد عبدالحمید فقیه نه تنها برای اهالی فوتبال بلکه برای جامعه ورزش و فرهنگی شهرستان نیز خبری تلخ و تاسف برانگیز بود.

این پیشکسوت ورزشی و مدیر فرهنگی خوش نام نقش آفرینی مهم و موثری در معرفی نسل‌های مختلف شهر بوشهر داشته و نامی نیک و بسیار قابل احترام در عرصه ورزش و فرهنگ شهر از خود بجای گذاشته است.

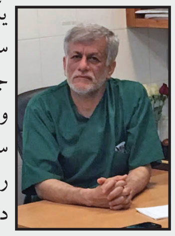
لذا با نهایت تألم و تاسف، ضایعه وارده و فقدان آن عزیز سفر کرده را به خانواده محترم ایشان، عموم فرهنگیان و ورزش دوستان شهرستان بوشهر تسلیت و تعزیت عرض نموده، از خداوند متعال رحمت واسعه وعلو درجات برای آن مرحوم و صبر و شکیبایی برای شما عزیزان خواستاریم.

«روابط عمومی باشگاه ورزشی جم بنمانع»

به مناسبت روز پزشک

یادی از ایثارگری مدافعان سلامت

دکتر عبدالرحیم مهرور



یکی از تیره‌ترین سال‌های سیاه جهان، کرونایی بود که جهان را در بهت و حیرت و ماتم به مدت چندین سال به تباهی و فلج رساند. روزهای وحشت‌انگیزی که دنیا درگیر بلای خانمانسوز مرگ ناشی از کووید ۱۹ شد. از طرفی دیگر تاثیر آن بر جنبه‌های زندگی از جمله بیکاری، استرس و افسردگی، یاس از آینده و رکود چندین ساله اقتصاد و... همه کشورها را غافلگیر کرد و هر چند که اسطوره‌های بزرگی از جامعه پزشکی به مردم تقدیم شد اما کرونا ثابت کرد که همه افراد مرد میدان و مرد کارزا نیستند.
دو ماه قبل از شیوع و علنی شدن کرونا با توجه به



تجربه و سابقه طبابتم در بیماران تنفسی طی یک هفته پنج بیمار به ظاهر سالم را که فقط از تنگی نفس رنج می بردند زنده زنده بعد از Intb (گذاشتن لوله در راه هوایی برای تهویه بهتر) از دست دادیم. هنوز باورم نمی‌شد که چه جریانی و معمایی در کار هست، اما همگی کادر پزشکی متفق القول بودند که انفلونزای مرغی است!
اما اشتباه محض بود زیرا که این پدیده خود کرونا (کووید ۱۹) بود. در این مدت بنده هم مثل بقیه همکاران بیهوشی بدون ماسک چهره به چهره و تنفس به تنفس در کنار بیماران انجام وظیفه می کردیم تا این که پدیده‌ای مرگ‌آور و وحشت انگیزی بنام کرونا جهانی شد و در این اثنا چه پزشکان شرافتمندی که دوشادوش بیماران، جان خود را تقدیم هموطنان نمودند. در همین استان بوشهر پزشکان شریفی بودند که لحظه‌ای آرامش نداشتند تا جان عزیزی از شهروندان را نجات دهند از جمله :
دکتر «فخری» متخصص بیهوشی،
دکتر «نفیسی» متخصص بیهوشی،
دکتر «زرین آبادی» متخصص بیهوشی،
دکتر «نوروزی» متخصص مغز و اعصاب،
دکتر «خلیلی» پزشک عمومی،
دکتر «فیوض» پزشک عمومی،
روحشان شاد و یادشان گرامی باد .



بحرانِ بازتولید بحران در نسل ها

دکتر سجاد بهزادی



روزنامه دنیای اقتصاد در مطلبی با عنوان «نسل زد، نسل بی‌مسکن» نوشت: «اکثریت این نسل در شرایط فعلی قادر به پس‌انداز نیستند و اقلیتی از آن‌ها توان پس‌انداز ماهانه یک میلیون تومان را دارد.
با این اوضاع، این مسیر تا خانه اول برای نسل زد بیش‌از یک و نیم قرن طول می‌کشد.»
"نسل زد" به متولدین اواسط دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۱۰ گفته می‌شود. بر اساس این تقسیم‌بندی متولدین ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۹ در ایران جزو نسل Z قرار می گیرند که به دهه هشتادی‌ها مشهور شده‌اند.
دهه هشتادی ها خواسته و یا ناخواسته با مشکلات جدی روبرو هستند. عموم آن‌ها گرفتار بحران بیکاری، بی پولی و بی شغلی هستند و به عنوان مثال برای خانه‌دار شدن باید بیش از یک قرن دندان روی جگر بگذارند.
تنها دهه هشتادی‌ها نیستند که گرفتار بحران هستند. قبل تر هم سخنان معاون اول رئیس‌جمهور وقت در مورد دهه شصتی ها جنجال آفرین شده بود.
اسحاق جهانگیری در مورد معضل دهه شصتی‌ها گفته بود" این گروه سنی به هر حوزه‌ای ورود می‌کنند، بحران ساز می‌شوند". اگر چه بعدها عذرخواهی کرد و گفت "همه دهه شصتی‌ها را مثل فرزندانم که دهه شصتی هستند دوست دارم. جمله‌ای که از من منتشر شد تقطیع شده بود. عرضم این بود؛ این که دهه شصتی‌ها با ورود به هر مرحله از زندگی‌شان با مشکلات زیادی مواجه شدند، ناشی از آینده‌نگر نبودن مسئولان است".
امروز نیز تمرکز بر افزایش جمعیت و خلق نسل تازه در کشور است.
نسلی که امروز با هر سیاست گذاری متولد می شود بعدها "نسل هزار و چهارصدی ها" نامیده می شود. اگر شرایط اقتصادی فعلی تغییری نکند، بعید نیست این نسل نیز در آینده بحران‌هایی شبیه نسل های دهه شصتی و هشتادی تجربه کنند.
وضعیت پیش رو نشان می دهد علیرغم همه تعارض ها و تفاوت های بین نسلی که در ایران است؛ بالا بودن شاخص فلاکت و بحران فقر، بین بیش‌تر نسل ها تاکنون مشترک بوده است.
بحران های انباشته شده بین نسلی با ساختار چه می کند و تدبیر نظام حکم رانی برای برطرف شدن آنها چیست؟ این دو چقدر با هم قدرت سازگاری دارند و چگونه باید به حل مسئله کمک کرد؟
بحران‌هایی مانند فقر و کمبود مسکن و اشتغال ممکن است پیش روی دولت های بسیاری باشد اما طبیعی است، هر ساختاری برای حل بحران های بین نسلی خود می بایست دنبال سازوکاری باشد تا نارضایتی های انباشت شده کاهش یابد و تبدیل به خشونت نشود.
دو راهکار:
– اصلاح جدی ساختار یکی از مهم‌ترین راهکارهای جلوگیری از انباشت نارضایتی‌ها در نسل‌های مختلف جامعه است.
چالش ها و بحران‌های فعلی، احتیاج به درمان و اصلاح فوری دارد. رویکرد سیاست‌ها در داخل و خارج از کشور می بایست اصلاح گردد. متاسفانه، قدرت گرفتن نگاه ضدتوسعه‌ای در لایه هایی از ساختار، باعث شده تا نارضایتی ها انباشت شود و به یک کشور پر مسئله تبدیل شویم که مدام درمان دردها ومسئله های جامعه در آن به تعویق می افتد.
• استفاده از "نخبگان" نیز از دیگر راهکاری کاهش بحران در جامعه است.
باید اجازه داد در هر نسلی نخبگان یا طبقه **"**الیت" آن نسل وارد چرخه مدیریتی و تصمیم گیری شود و نیازمندی های نسل خود را تعریف کند. نمی توان نسخه ای از افکار و اعتقادات یک نسل مشخص را برای تمامی نسل ها پیچید و انتظار داشت هیچ تعارضی هم رخ ندهد.
کشورهای توسعه یافته در همه شرایط از نخبگان واقعی برای حل مسئله ها کمک می گیرند. در کشورهای توسعه نیافته، تنها در زمان بحران و به ناچار از نخبگان استفاده می شود.
در برخی از کشورها نیز، استفاده از نخبگان تنها جنبه نمایشی و تبلیغی دارد. از نخبگان برای حل مسئله ها دعوت می شود اما به راهکار آنها برای حل مسئله اعتنایی نمی شود. مثل فردی که مریض است و دکتر هم بیماری او را تشخیص داده، اما آن فرد اصلا نسخه پزشک را عمل نمی کند.
اگر ساختار نظام حکم رانی در یک کشور، بی‌خیال بحران های بین نسلی خود شود وضعیت از این که هست بدتر خواهد شد.
بعنوان مثال وقتی یک نسل نتواند پس انداز مالی داشته باشد و یا برای خانه دار شدن، می بایست یک قرن و نیم صبوری کند، شیوه جدیدی از در به دری و بحران در جامعه خودش را بروز می دهد.
به تازگی گزارش تکان‌دهنده‌ای از مرکز پژوهش های مجلس در مورد شیوع ۸ مدل بی خانمانی در کشور؛ پشت‌بام‌خوابی، موتورخانه‌خوابی، ماشین‌خوابی، گورخوابی، هم‌خانگی دو یا چند خانواده منتشر شده است.
اگر بحران های هر نسل روی هم انباشت شود، نارضایتی و خشونت بازتولید می شود و جامعه به شرایط خطرناک تری می رسد. ما نیازمند توقف خشونت و آرامش بیش تر برای رسیدن به توسعه پایدار هستیم . داگلاس نورث در کتاب سیاست، اقتصاد و مسایل توسعه می نویسد"کشورهای در حال توسعه برای رسیدن به توسعه، قبل از هر چیز نیازمند مهار خشونت هستند".

محرومیت ۲۵۰ میلیارد دلاری زیر سایه سنگین تحریم‌ها

زیر سایه سنگین تحریم‌ها در طول ۷ سال گذشته، از بیش از ۲۵۰ میلیارد دلار درآمد نفتی محروم شده‌ایم و آثار این عدم دسترسی به چنین منابعی اثرات مضاعف و چشمگیر بر سایر بخش‌های اقتصادی بر جای گذاشته است. مرتضی عمادزاده، کارشناس حوزه انرژی با بیان این مطلب به ایلنا گفت: «ما علاوه بر عدم فروش این میزان نفت، به دلیل تحریم‌های بانکی در بسیاری از موارد، قادر به دریافت پول نفت فروخته‌شده هم نبوده‌ایم. طبیعی است که وقتی یک درآمد حدود ۲۵۰ میلیارد دلاری از اقتصادی در حد و اندازه‌های اقتصاد ایران گرفته می‌شود، دولت در تامین هزینه‌های کلیدی دچار مشکل خواهد شد. یکی از مهمترین بخش‌ها، پروژه‌های عمرانی است که می‌تواند برای اقتصاد کشور ظرفیت‌های جدید توسعه‌ای ایجاد کند. همین امر ضرباهنگ رشد اقتصادی را به تدریج کندتر کرده و بازار را کوچک‌تر می کند. در چنین شرایطی ظرفیت تولید و فراخور آن سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد، دولت و فعالان اقتصادی از دستیابی به اهداف توسعه‌ای خود باز می‌مانند و در نهایت پتانسیل‌های توسعه‌ای کشور به تدریج رو به اضمحلال می‌رود. رقم سرمایه‌گذاری انجام‌شده در کشور در سال ۱۳۹۸ حدود ۹۷۷ هزار میلیارد تومان بوده است، درحالی‌که استهلاک سرمایه‌های ثابت در آن سال به ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده، بدان معنا که ما نتوانسته‌ایم به اندازه‌ای که برای حفظ ظرفیت‌های اقتصادی کشور نیاز بوده است، جذب سرمایه‌گذاری کنیم.»

زندگی آگاهانه

مسئولیت پذیری

حسین زیرراهی– مدرس مهارت‌های توسعه فردی



مسئولیت‌پذیری در مفهوم رایج در روانشناسی با آن‌چه در زبان روزمره استفاده می‌کنیم کمی تفاوت دارد. ما در فرهنگ عمومی مسئولیت‌پذیر بیشتر به کسی می‌گوییم که در قبال وظایف خود متعهد است. مثلا فرزند مسئولیت‌پذیر یا کارمند مسئولیت‌پذیر. البته این موارد تعهد به خود هم حساب می‌شود، ولی مسئولیت‌پذیری در ادبیات روانشناسی که مراد ما است مسئولیت فرد صرفا در قبال خود است. به این صورت که ما در قبال زندگی خود مسئولیت صددرصد داریم. یعنی من مسئول کامل زندگی، خوشبختی، موفقیت، تصمیمات، انتخابها و بصورت کلی سرنوشت خودم هستم. در نتیجه اگر در هر کدام از این جنبه‌ها به مانعی برخورد کردم یا نتوانستم به آنچه می‌خواهم برسم قرار نیست دیگران را سرزنش کنم. دیگران می‌تواند والدین، معلمان، جامعه و کلا دنیای بیرون باشد.
چرا به مسئولیت‌پذیری صددرصد نیاز داریم؟ چون وقتی ما حتی به اندازه یک درصد مسئولیت جنبه‌ای از زندگی‌مان را از خود سلب می‌کنیم بهانه‌ای می‌شود برای تعطیل کردن تلاش در آن زمینه. برعکس وقتی مسئولیت صددرصد را متوجه خود می‌دانیم دیگر منتظر هیچ امداد غیبی نمانده و تلاش می کنیم هر طور شده راه حلی برای آن مساله پیدا کنیم. مثلا شما اگر بخواهید برای عدم موفقیت خود در زندگی، دنیای بیرون را مقصر بدانید دلایل بسیار زیادی می‌توانید بیاورید. مانند این‌که من در خانواده‌ای بزرگ شدم که فقط سرکوفت خوردم؛ در مدرسه آموزش ندیدم و کسی به من نگفت؛ در شرایط اقتصادی بدی بزرگ شدم؛ کار نیست و هزاران دلیل دیگر. این دلایل در جای خود همه درست است ولی مساله این است که این طرز فکر هیچ کمکی به ما نمی‌کند. صرفا با پیدا کردن مقصر بصورت موقت احساس راحتی می کنیم ولی چیزی بدست نمی‌آوریم.
دیگر این‌که ما تنها جایی که کنترل داریم بر خودمان است. ولی کنترلی بر دنیای خارج نداریم. می‌توانیم تصمیم بگیریم، انتخاب کنیم، تلاش کنیم، خودمان را تغییر دهیم. مثلا در ازدواج همواره پنجاه درصد همه چیز به شریک زندگی شما بر می گردد. یعنی اگر در هر زمینه‌ای ایشان نخواهد با شما همکاری کند تقریبا کاری از دست شما ساخته نیست. ولی در همین موضوع هم شما مسئولیت صددرصد دارید. چرا؟ چون می‌توانید تصمیم بگیرید در آن رابطه نمانید. یا اگر مشکل آنقدر حاد نباشد می‌توانید با تلاش بیشتر، یا ایجاد تغییر در خود بر شریک‌تان تاثیر بگذارید تا او هم نقش و مسئولیت خود را بپذیرید. البته صرفا می‌توانید تاثیر بگذارید ولی نمی‌توانید او را کنترل کنید یا تغییر دهید.
مسئولیت‌پذیری به غیر از تاثیر در موفقیت و سرنوشت، بر سلامت روانی ما نیز تاثیر مستقیم دارد. مثلا یکی از دلایل افسردگی، توقع و انتظارات فرد از دیگران است. فرد افسرده از خانواده و نزدیکان خود انتظار دارد خواسته هایش را برآورده کند و ابزار متقاعد ساختن آن‌ها این است که خود را به افسردگی بزنند. البته ریشه این انتظارات می تواند در باورهای اشتباه او باشد. ولی نتیجه سو آن به خود او برمی‌گردد چون علاوه بر این‌که سکان زندگی خود را از دست می‌دهد سلامت روانی‌اش را هم به خطر می‌اندازد.

زخمی ترین ردیف

سیده محبوبه هاشمی‌زاده

یک شعر پُر زِدرد،به وزن خزانی اَم
ای مثنویِ عشق!کجا می کشانی اَم؟

هر واژه شعله می کشد ازبغض تلخ ها
تا بر زبانِ جاریِ آتشفشانی اَم

گاهی بروی شاخه دل خنده می شوم
دیگر چرا زِ حس غزل،می تکانی اَم

زخمی ترین ردیفم وبر دوش دفتری
عمری غریب ودر پِی نام ونشانی اَم

درکوچه های خلوتِ شبگردیِ خیال
دنبال سایه های پُر از هم زبانی اَم

بگذار، سَر، به شانه ی دریاترین شبم
مهتابِ چشم، روشنِ ابرو کمانی اَم!

آری! منم که به قولِ این مردم نجیب
نازک دل و شکسته وپیرِ جوانی اَم

رویاترین ترانهٔ کابوس رعد وبرق!
وقتی به روی پنجره،باران،بخوانی اَم

*

غسل

سیاوش دهقانی

وقتی مرا می شُستی
دستانت
به شاعرانگیِ یک جفت کبک
در ماهورهای سرزمین مادری
آواز می خواندند

و پرواز به پردیس
تقدیر تندیسی ست
که از تو تعمید می گیرد

*

شهراد میدری

آمده نورِ نامه بر، غرقِ شکوفه پشتِ در
تا که دهد به ما خبر، وقتِ شکفتن آمده
در بگشا به تاب و تب، چون که به نغمه یِ طرب
صبحِ بهارِ غنچه لب، سبزه به دامن آمده
*
بویِ خوشِ آویشن و انجیر بیاور
زیباییِ بی حد و نفس‌گیر بیاور
تا نور بریزد به شبستان و شود صبح
لبخندِ گُل از باغِ اساطیر بیاور

قصه کوتاه///////////

عشق نافرجام صورو

شاهرخ تنگسیری



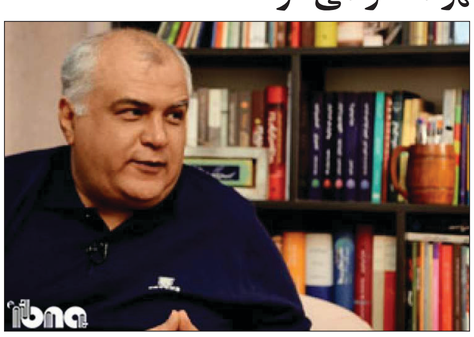
فرق کامبیزو و صورو نه فقط محض بر و لباس کامبیزو بید تفاوت از زمین بید تا ثریا، کامبیزو هم بواش گمرکی بید هم تو خونه و تو مدرسه با معلما تهرونی حرف می‌زد، هم یه رَپته پیل تو جیباش بید و دلنسوخته خرج خوش می‌کرد، بیشتر وقتاش تو استریو چارلی می‌گذشت، قیمت موتور زیرپاش از قیمت خین بسِ صورو بیشتر بید، از ساعت رو مچش تا زنجیر تو گُردنش با او چیشیِ سووزش دختر کُش بید، مخصوصا شووی جمعه که دریس می‌کرد و با بواش می‌رفت کشتی رافائل یا کافه لنگر، ولی صورو نه بوای پیلداری داشت و نه خونه و کاشونه درست و حسابی، بقول صفرو معطلِ معطل بید، بواش عامو حیدر تو قهوه خونه حاجِ خلیل اوو قیلون می‌کرد.
ولی از حق نگذریم مثِ بیشتر بچه‌های شهر با همه نداریش وقتی تکپوش فروت آبیدو می نداخت رو شلوار لی سفید و کفش دانلاپ پا می‌کرد ارواح ننه آلن دلون دل هر دختری اوو می‌کرد، تموم خوشگذرونیش خلاصه می‌شد تو سینما فانوس و ساحل و دیدن فیلمای بیک و بهروز و وقتی از درِ سینما میزد بیرون تا چندروز ژستِ بهروز می‌گرفت و می‌شد انهو خود ِ خودِ بهروز خدائیش یه ته چهره بهروزم داشت. روزی‌که بهروز اومد فیلم تنگسیر بازی کنه رفت سر صحنه فیلمبرداری و کُنارش عکس انداخت. داد عکاسی شهرام سیش گُتش کرد زده بید تو اتاق خونه شون، دیالوگ هنرپیشه‌ها حفظش بید، چندبارم تو مدرسه تئاتر بازی کرده بید، تو عالم رفاقت آخرِ مردا بید و چه کُتکا که سی خاطر رفیق خورده بید ولی هر دو آدمای قصه ما یک‌جا دلباخته یکه تاز مدرسه شاهدخت شده بیدن. مهتابو دختر سرهنگ، فاصله صد متری درِ مدرسه سعادت تا مدرسه شاهدخت مثِ تیر شهابَ طی می کردن تا بلکه بتونن قبلی که مهتابو سوار آریا شاهین راننده بواش بشه ببینن و توجهش به خوشون جلب کنن، ولی دریغ از یه اشاره و همی بی تفاوتی،کامبیزو و صورو مصمم‌تر و ازشون رقیب ساخته بید، تو کلاس ، تو خیابون، تو استادیوم همه جا باهم کل می‌نداختن و چندبار باهم دست به یقه شدن و همیشه کشن کشا داشتن تا روزی که ماراتون عشقی کامبیزو و صورو مقابل درِ مدرسه شاهدخت به یک دوئل تمام عیار و دیدنیَ ختم شد، دختر و پسر شاهد و ناظر بیدن که چیشک و بُرمک کامبیزو مغلوب لبخند و تبسم مهتابو به صورو شد، هیچ کس نفهمید توی سه ثانیه صورو چه سی مهتابو گفت که لبخند رضایت مهتابو جیگر صورو حال آورد و تَش تو دل کامبیزو برپا کرد، عقب عقب برگشت تا خورد به سینه کامبیزو، کامبیزو مچ دست صورو گرفت تو ِ دستش فشار داد و با تشر گفت: خیالت راحت کُنم عیشت عزا می کنم، همی زودی...
امتحانات خرداد تموم شد، نتیجه‌ها که دادن



هرکس رفت دنبال سرنوشت خودش، صورو هم یه راست رفت حوزه نظام وظیفه و برگه اعزام به خدمت دادن دسش، غصه ندیدن مهتابو و فکر دو سال خدمت سربازی و دوری از شهر و دیارش بدجور رو دلش سنگینی می کرد. روز اعزام رسید، ازدحام جمعیت و صدای جووشی از هر طرف بلند شد، پدر و مادرا به بچه‌هاشون قوت قلب می‌دادن و تاکید می‌کردن مبادا سیگاری برگردین، برید خدمت تا مرد واگردین و از ای قبیل دلگرمیا، صورو سهمیه صفر پنج کرمون شد، تو خدمت هم شانس نداشت، تموم بچه‌ها از اسمش هراس داشتن، می گفتن هرکی تو زمستون بره سرآسیاب جنازه‌اش وا می‌گرده خونه، وقتی خواست سوار اتوبوس بشه خبر گیرش اومد کامبیزو با پارتی بازی بواش معافی زیر پرچم دادنش. دنیا رو سرش خراب شد، تموم جونش الوُ گرفته بید، حتی سرما و برف سرآسیاب هم خنکش نمی کرد، لاجرم باید می‌رفت تا مرد بشه و واگرده ...
تو تمام مدت دوسال سربازیش هر وقت سی صفرو رفیق و همرازش نامه می‌نوشت اول سراغ مهتابو می‌گرفت، صفرو هم سی محض دلخوشی صورو الکی می گفت «تو بازار می‌بینمش حال و احوالشم خوبن ملالی نداره جز دوری تو». صورو حرفاش باور نمی‌کرد ولی از حرفاش قوت می‌گرفت.
روزی که با دلخوشی کارت پایان خدمتش نشون صفرو داد و گفت تمااااام با هم قرار سینما نهادن، سینما فانوس «رضاموتوری» اکران کرده بید، صفرو توِ صف بلیط صورو هم رو زین موتور هفتادِ خلَهچه صفر نشسته بی، سیگار می کشید و ظل زده بِید عکس بهروز سی می کرد.
صدای بوق بوقِ ماشین گل‌کاری عروس و شپ و کل زنا توجه صَورو جلب کرد، سرش برگردوند یه لحظه چیشش افتاد رو کامبیزو که صندلی عقب آریا نشسته و دسش دور گردن مهتابو انداخته.
دنیا سیش کن فیکون شد، هندل زد، بی وقفه، هی زد و زد بی‌ثمر بید، موتور فلوت کرده بید روشن نمی شد، موتور تو دسش و می‌دوید، صفرو هم صف بلیط رها کرد و دنبالش راه افتاد، ایقدر دوید تا رسید سر میدون سینما فانوس، لس کرده بید و دیگه نای رفتن نداشت، زانواش شل شده بید با صورت خورد رو آسفالت وتا چیشش باز بید می‌دید که ماشین عروس باسرعت داره دور میشه، صفرو خودش رسوند بالای سرش، صورتش غرق اشک و خون شده بید و به زور نفس می‌کشید، صفرو موتور از رو سینه اش بلند کرد و با فُریاد گفت: «صورو خونه بوات خراب کردی کُکا، ایجور سی چه سر خوت میاری بزار بره او لایق همو بچه قرطین». صورو چیشش باز کرد و نفس نفس گفت: «نامرد مِی نگفتی... ».
دیگه بین انظار نمی‌دیدیش، کار ِ شب و روزش شده سیگار کشیدن و...، دیگه او آدم قبلی نبید، اصلا با کسی حرف نمی‌زد، دیگه هیچی حالیش نبید، شده بید مسخره دس بچه خرده، نه سرما می‌کرد و نه گرما با سر و صورت نتراشیده مث جنگلیا با شورت و پا برهنه می‌رفت دم دکونِ عبدلِ و یه نیمی بطری و یه پاکت سیگار زر می‌دادش می‌رفت تل عاشقون و تموم شب با مهتاب حرف می‌زد...

به قلم سیدقاسم یاحسینی؛

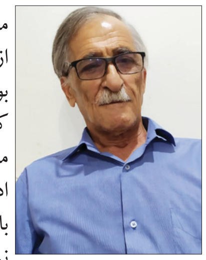
کتابی دربارهٔ اولین زن روزنامه‌نگار بوشهر منتشر می‌شود



سیدقاسم یاحسینی، نویسنده و مورخ اجتماعی جنوبی تازه‌ترین اثر خود را درباره شوکت سلامی، اولین زن روزنامه‌نگار بوشهری روانه بازار کتاب خواهد کرد.
این مورخ اجتماعی در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در بوشهر گفت: شوکت سلامی اصالتا همدانی بوده که در عنفوان جوانی به نجف می‌رود و در آن‌جا درس طلبگی می‌خواند. سپس او در سال‌های بعد از کودتای ۱۲۹۹ و هم‌زمان با به‌قدرت رسیدن رضاشاه پهلوی (۱۳۰۴) به بوشهر می‌آید و در این شهر اقدام به تأسیس مدرسهٔ دخترانه می‌کند که بعدها این مدرسه به دبیرستان «شاهدخت» تبدیل می‌شود.
سیدقاسم یاحسینی ادامه داد: همچنین او در دههٔ ۳۰ نخستین مهدکودک در بوشهر را راه‌اندازی می‌کند. او افزون بر این فعالیت‌های آموزشی، در حوزهٔ روزنامه‌نگاری نیز اقدام به انتشار روزنامهٔ «نورافشان» می‌کند که حدود ۲۰ سال منتشر می‌شود.
به گفتهٔ وی، روزنامهٔ «نورافشان» چهاردهمین نشریهٔ زنانه در تاریخ مطبوعات ایران و اولین روزنامهٔ زنانه در مطبوعات بوشهر بوده است. پیش از این دربارهٔ شوکت سلامی در کتاب‌های «صدسال مطبوعات بوشهر» و «زن بوشهری در جنگ و فرهنگ» مطالبی نوشته بودم؛ اما به علت این‌که تا امروز کتاب تخصصی دربارهٔ این زن فعال در حوزهٔ آموزش و پرورش و روزنامه‌نگاری استان نوشته نشده، تصمیم گرفتم که اثری را در این باره بنگارم.
یاحسینی تاکید کرد: این کتاب در ۱۳۰ صفحه تدوین شده است و در آن تلاش کرده‌ام ضمن بازتاب زیست این بانوی فرهنگی و روزنامه‌نگار، کلیشه برخی از مقالات و مطالب روزنامهٔ «نورافشان» که بسیار کمیاب بود و به سختی توانستم حدود ۱۲ شمارهٔ آن را پیدا کنم، ضمیمهٔ کتاب کنم. امیدوارم این کتاب پشتوانهٔ تئوریکی برای روزنامه‌نگاری زنانه در بوشهر باشد.
این روزنامه‌نگار و مورخ پرکار جنوبی در خصوص نام این اثر هم توضیح داد: احتمالا یکی از نام‌های «ژورنالیست زن در بوشهر» یا «زنِ پیشگام آموزش یا روزنامه‌نگاری در بوشهر» را برای این اثر انتخاب خواهم کرد.
وی یادآور شد: شوکت سلامی منشأ خدمات مهمی در حوزه آموزش و پرورش و روزنامه‌نگاری بوشهر بوده است. وی سرانجام در سال ۱۳۴۷ در سن ۷۴ سالگی در شیراز درگذشت و در همان‌جا هم دفن شد.

ابهام در برگزاری شفاف مناقصات و مزایده‌های ادارات دولتی استان بوشهر

قاسم محمدی



مدتی پیش مدعامل یکی از شرکت‌های فعال در بوشهر، گلایه داشت که از انجام برخی از مناقصه‌ها و مزایده‌های ادارات دولتی مرتبط با فعالیت خود مطلع نمی‌شود و این مزایده‌ها و مناقصه‌ها با شرکت افراد محدودی برگزار می‌شوند. پرسیدم مگر بر اساس قانون، آگهی این مناقصه‌ها و مزایده‌ها در نشریات محلی به چاپ نمی رسد ؟

پاسخ داد بعضی از ادارات اقدام به چاپ این آگهی‌ها در نشریات ناشناخته می کنند که حتی یک نسخه آن‌ها نیز در بوشهر به فروش نمی‌رسد و از این طریق قانون را دور می‌زنند که در نتیجه، تنها افراد خاصی از وجود چنین مناقصه‌ها و مزایده‌هایی مطلع و در آن شرکت می کنند!

به طور اتفاقی چند روز پیش متوجه شدم که تعدادی از آگهی‌های مزایده و مناقصه ادارات مهم استان بوشهر در نشریات گمنام و ناشناخته که تا به حال حتی اسم‌شان هم به گوشم نخورده بود، به چاپ می‌رسند که ناخودآگاه به یاد سخنان آن مدیرعامل افتادم و با دقت بیشتری درخصوص چاپ آگهی‌های مناقصه و مزایده ادارات بوشهر در طی چند ماه اخیر به جستجو پرداختم که نتیجه آن در زیر می‌آید:

- اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر: نشریات کیمیای وطن، معین، بشارت نو، نوآوران، توسعه ایرانی، اقتصاد بومی، پیام زمان، پیشرو، فرصت امروز...
- شرکت توزیع برق استان بوشهر : نشریات اترک، جمله، تجارت، سایه، اسرار، اقتصاد بومی، افکار، تماشاگران امروز، بیان ملی، کیمیای ایران...
- سازمان میراث فرهنگی: نشریات اسکناس، شاخه سبز...
- فرودگاه بوشهر : نشریه امتیاز...
- اسناد و املاک بوشهر: نشریات کائنات، افسانه...
- بنیاد شهید: نشریه ایده روز..
- علوم پزشکی بوشهر: نشریات اترک، خریدار...
- اداره راهداری و حمل و نقل: نشریه پیام ما ، امین...
- محیط زیست بوشهر: نشریه رویداد امروز...
- شرکت شهرک های صنعتی: نشریه ستاره صبح...
- گمرکات استان بوشهر: نشریه راوی ملت...

و چاپ آگهی ادارات بوشهر در نشریات دیگری همانند : تلاش ملی، یادگار امروز، ایده روز، شیراز نوین...

امیدوارم مدیر کل ارشاد بوشهر به عنوان توزیع کننده تعدادی از این آگهی‌ها و روابط عمومی این ادارات با شفاف‌سازی در این خصوص رفع شبهه



کرده و با تغییر رویه خود زمینه اطلاع عمومی همه شرکت کنندگان و ذینفعان برای مشارکت در این مناقصه‌ها و مزایده‌ها در استان بوشهر را فراهم آورند.

بررسی وضعیت اطلاع رسانی مزایده‌ها و مناقصات استان بوشهر

به دنبال انتشار این مقاله در فضای مجازی، تعدادی از مسئولان روابط عمومی و افراد دیگر به اظهار نظر درباره این مقاله پرداختند که در زیر برخی از آن‌ها را می‌خوانید:

- در تشریفات مزایده ها و مناقصات " طبق قانون اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی" متولی انتخاب نشریات برای درج آگهی معرفی شده است.اداراتی که مزایده یا مناقصه دارند از قبل باید طی نامه‌ای به اداره کل ارشاد درخواست تعیین نشریه کنند و قاعدتا ناگزیر هستند در نشریاتی آگهی کنند که از طرف اداره کل ارشاد مشخص شدند و ذیحساب ها که نماینده اداره دارایی در ادارات هستند و عضو اصلی کمیسیون مزایدات و مناقصات می‌باشند، این نکات را به دقت بررسی می کنند تا تشریفات از نظر شکلی و ماهوی به درستی طی شده باشد و دیوان محاسبات هم به طور ادواری این اسناد را مورد بررسی قرار میدهد.مضاف بر این کلیه مناقصات و مزایدات دستگاه‌های دولتی در سامانه ستاد آگهی می‌شود که عموم مردم می‌توانند به طور مداوم رصد کنند و مطلع شوند. البته این روند یک قاعده کلی هست و توضیحات بنده دلیلی بر عدم تخلف توسط برخی دستگاه‌ها نیست.

- در خصوص چاپ آگهی مناقصه و مزایده در مطبوعات، وظیفه قانونی روابط عمومی ادارات، ارسال آگهی به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی است و این عزیزان بر اساس قوانین خودشان آگهی را توزیع می کنند که قطعا ما دخالتی نداریم. موضوع مهمتر ادارات دولتی ملزم هستند مدارک و مستندات مناقصه و مزایده را در سامانه ستاد بارگذاری کنند و تمامی شرکت‌های فعال می‌توانند از هر نقطه از ایران همه شرایط و مستندات را مشاهده کنند.

- به نظر من اصلا لزومی ندارد ادارات دولتی آگهی مزایده و مناقصه را در روزنامه ها چاپ کنند. زیرا ادارات موظف هستند تمام آگهی‌ها را در سامانه ستاد بارگذاری نمایند. لذا کسانی که می‌خواهند شرکت کنند حتما بایستی در سامانه ستاد ثبت نام کرده باشند. فرض کنیم شرکتی آگهی در روزنامه را هم بخواند اما وقتی در سامانه ثبت نام نکرده حق شرکت در مزایده و مناقصه را ندارد. اگر در سامانه ثبت نام کرده که دیگر نیازی به خواندن روزنامه هم ندارد. سامانه هم بسیار شفاف است و تا روز بازگشایی احدی حتی کاربر ارشد و حتی مدیریت مجموعه نمی‌توانند نام شرکت کننده ها و قیمت اعلامی آن‌ها را بخوانند و تنها موقعی می‌توانند بخوانند که موعد تمام شده است و لذا نمی‌توانند دخل و تصرفی نمایند. اما چاپ در روزنامه‌ها الزام قانونی است و الان باتوجه به این‌که سامانه وجود دارد انتشار آگهی در روزنامه ها فقط جنبه سمبلیک و کمک به روزنامه ها است که آن هم ادارات ارشاد تعیین می‌کنند.



- هدف از چاپ آگهی های مزایده و مناقصه در نشریات، جنبه اطلاع رسانی عمومی آن هست، باید کسانی که می‌خواهند در مناقصه و مزایده شرکت کنند، از برگزاری آن مطلع شوند تا بعد برای ثبت نام به سامانه ستاد و یا برگزارکننده، مراجعه کنند، و برای همین قانون گذار ادارات را ملزم به چاپ آگهی در نشریات عمومی کرده است تا مطمئن شود که همه ذی نفعان از برگزاری این مناقصه و مزایده مطلع خواهند شد، اما اداره ارشاد با چاپ این آگهی ها در نشریات گمنام و غیر بومی، عملا ذی‌نفعان را از وجود برگزاری چنین مزایده و مناقصه های محروم میکند، ضمن این‌که اگر منظور چاپ این آگهی ها کمک به روزنامه و نشریات هست، چرا این کمک به نشریات محلی نمی‌شود و پول چاپ این آگهی ها به نشریات مجهول و گمنام بیرون از استان می‌رسد که هیچ نقشی در احیای فرهنگ بوشهر ندارند؟

- مطابق با مصوبات صورت گرفته اداره کل ارشاد (کارشناس توزیع آگهی) مسئولیت توزیع عادلانه آگهی ها را بر عهده دارند و ادارات موظف هستند آگهی را در اختیار ارشاد قرار دهند جهت توزیع و اینکه ارشاد عدالت در توزیع را رعایت می کند یا خیر باید مورد بررسی قرار گیرد.کلیه بزرگواران می توانند با مراجعه به سامانه جامع رسانه های کشور، روند توزیع آگهی ها را در هر استان مورد بررسی قرار دهند و با کم و کیف آن آشنا شوند.

گزارش آگهی های دولتی.

https://e-rasaneh.ir/public_ads_report.aspx

سلامت در آستانه فروپاشی

بهنام عباسیان، عضو شورایعالی نظام پزشکی، با انتقاد از سیاست‌های در پیش گرفته شده برای حوزه سلامت کشور، نسبت به ورود دندانپزشکانی از کشورهای همسایه هشدار داد. بهنام عباسیان در این‌باره گفت: «این روزها ما شاهد بی‌انگیزگی شدید دندانپزشکان مخصوصاً قشر جوان هستیم چون دندانپزشک جوان جایگاهی را برای خودش در نظر نمی گیرد. قشر جوان دندانپزشک پس از فراغت از تحصیل، وارد دوره طرح می‌شود. ما همه این عزیزان را در مراکز استان نگه نمی‌داریم بلکه به مناطق محروم که نیاز به دندانپزشک باشد نیز می‌فرستیم.» عضو شورایعالی نظام پزشکی با تاکید بر این‌که سلامت مردم به‌دلیل برخی سیاست‌گذاری‌ها در حوزه سلامت در حال فروپاشی است، ادامه داد: «عزیزانی که فکر می کنند سلامت مردم در حال فروپاشی است، بدانند اگر سیاستمداران عرصه سلامت تصمیمات کارساز نگیرند، متاسفانه در آینده نه‌چندان دور باید شاهد این باشیم که دست و چشم ما به‌سوی کشورهای دیگر و همسایه باشد و پزشکان افغانستانی و پاکستانی بیایند و در ایران کار کنند.»

ضرورت استخدام ۱۲هزار پرستار

رئیس سازمان نظام پرستاری کشور با تاکید بر اجرای کامل قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری گفته است که ۱۲هزار نیروی طرحی پرستار در دوران همه گیری کرونا زحمات زیادی برای بیماران کشیدند و الان بیکارند که باید استخدام آنها در مراکز درمانی در اولویت قرار گیرد. محمد میرزابیگی ادامه داد: «در دوران همه گیری کرونا پرستاران جوان با تمدید طرح و آغاز داوطلبانه طرح خود، به کمک نظام سلامت آمدند و به آن‌ها وعده استخدام داده شد. ۱۷هزار نفر از کادر سلامت فعال در روزهای شیوع کرونا که ۱۲هزار نفر آن‌ها پرستار بودند پس از فروکش کردن آمار کرونا نه‌تنها به کارگیری نشدند بلکه همگی از کار بیکار شدند. نیروهای طرحی در دوران تلخ کرونایی که مرگ‌ومیرهای زیادی وجود داشت خالصانه و با ازخودگذشتگی در مراکز درمانی مشغول به‌کار بودند و فداکاری‌های زیادی را انجام دادند.» او گفت: «پرستاران در مقایسه با سایر مشاغل با وجود تاکیدات رهبر معظم انقلاب به اهمیت توجه به این قشر، باز هم مورد بی‌مهری قرار می گیرند که امیدواریم در زمینه استخدام آن‌ها و بازگشت نیروهای طرحی که در دوران کرونا در مراکز درمانی کار می کردند، حمایت‌های لازم انجام شود.»

افزایش تاثیر سوابق در کنکور

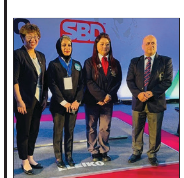
وزیر آموزش‌وپرورش گفته است که امسال ۴۰ درصد تاثیر قطعی سوابق تحصیلی در کنکور بود که سال بعد به ۵۰ درصد و دو سال بعد به۶۰ درصد خواهد رسید. رضا مرادصحرایی این را هم گفت که کنکور اختصاصی تربیت معلم برگزار خواهد شد. او ادامه داد: «موضوعات دیگری نیز در شورایعالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید که ازجمله آن‌ها برگزاری کنکور اختصاصی تربیت معلم، آیین‌نامه اختصاصی جذب دانش‌آموزان نخبه در رشته‌های مختلف، تاسیس دفتر مرکزی جذب فرهنگیان دانشگاه، اعطای رتبه تحصیلی، شناسایی دانشجویان نخبه سایر دانشگاه‌ها جهت تحصیل سال آخر دوره تحصیلی خود در دانشگاه فرهنگیان، مشارکت دانشگاه‌های دیگر در آیین‌نامه ارتقاء برای تربیت دانشجویان، آیین‌نامه اختصاصی دانشگاه فرهنگیان، تعیین مدارس وابسته به پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان و ایجاد مرکز ملی بهسازی سرمایه انسانی وزارت آموزش‌وپرورش با محوریت دانشگاه فرهنگیان و افزایش درس کارورزی از ۲ به ۸ واحد است.»

محمود آرامش سرمربی گسار جبری:
در گسار به دنبال استفاده از بازیکنان بومی هستیم



– چند درصد از بازیکنان مورد نظر شما جذب شده‌اند؟
– چند روز می‌شود که پروسه جذب بازیکن شروع شده ومشغول تکمیل لیست بازیکن هستیم، امیدوار هستیم که ظرف یک هفته آینده حدود ۷۰ درصد تیم تا زمان شروع تمرینات جذب بشوند.
– آیا هدف شما بومی گرایی است یا کمبودها را از بیرون تامین می کنید؟
– هدف باشگاه و بنده قطعا بومی گرایی هست و تا جایی که بتوانیم از بازیکنان بومی استفاده می کنیم. درصورت نیاز چند بازیکن غیر بومی هم جذب می کنیم.
– با توجه به این‌که گسار تیمی مردمی است، از مسئولین استانی و ورزشی استان چه تقاضایی دارید؟
– باتوجه به وضعیت مبهم شاهین، نبود ایرانجوان در فوتبال انتظار دارم تمام مسئولین از باشگاه گسار تنها نماینده شهر بوشهر در فضای فوتبال کشور حمایت مادی و معنوی کنند تا جوان‌های بوشهری بتوانند قابلیت خودشان را نشان دهند.
– با توجه به موفقیت شما در تیم‌های که سرمربیگری آنها را به عهده داشتید، آیا قول می‌دهید که گسار را راهی لیگ دو کنید؟
– ما تمام تلاش خودمان را برای موفقیت می کنیم و امیدواریم به این مهم دست پیدا کنیم.

برای اولین‌بار در استان؛
موفقیت بانوی بوشهری در آزمون داوری بین المللی پاورلیفتینگ



الهام الهام‌بخش رئیس کمیته بانوان پاورلیفتینگ استان بوشهر که جهت شرکت در آزمون داوری درجه دو پاورلیفتینگ و همچنین قضاوت در مسابقات دانشجویان آسیا در امارات حضور دارند، پس از گذراندن دوره داوری، موفق به کسب عنوان داور درجه دو بین المللی پاورلیفتینگ گردیدند.

ایرانجوان و سوگواره فوتبال بوشهر

مجید غاله

فعل نخواستن به بهترین شکل خود صرف شد، ماموریتی ناتمام که غایتش آن طور که مدنظر بود پیش نرفت، با این وجود سرانجامش تقریبا با نابودی تیم ریشه‌دارشهر اولین‌های کشور همراه بود که باید به لیگ استانی سقوط می کرد، این افتضاحی سلسله وار و خزنده که می توان آن را سوگواره فوتبال بوشهر نامید که با همراهی و هماهنگی مدعیان باشگاه فرهنگی و ورزشی ایرانجوان بوشهر در حال محقق شدن بود، اما همان که می‌خواستند خوشبختانه نشد و البته در مخیله کسی هم نمی‌گنجید حتی آنهائی که هواداران را به حیا کن رها کن وادار کرده بودند، همگی در افول فعلی و حال بیمارش سهیم و شریک هستند، زیرا علاوه براین که یکدیگر را خوب پوشش داده و حمایت نموده بودند، موجب حسرتی بزرگ همراه با روسیاهی برای فوتبال بوشهر شدند. چون تنها دلخوشی هواداران، توپ گرد و زمین‌های ورزشی‌اش می باشد، در همین راستا متاسفانه



شاهد کمترین واکنش و موضع گیری اصولی در این فرایند تباهی و سقوط سال‌های گذشته از سوی مسئولین ورزشی استان بوشهر و حتی هواداران هم نبودیم، البته دستگاه ورزش استان با توجه به سبقه گذشته خود سال‌هاست که فعالیتی در راستای خواست مردم و اقتدار فوتبال بوشهر انجام نداده و در آینده هم گامی موثر بر نخواهد داشت که اضطرار دارد در این مورد تجدید نظر اصولی صورت دهند زیرا مشخص است که برای آقایان بود و نبود جایگاه ایرانجوان تفاوتی ندارد، آن هم وقتی که در برابر افول و نابودی فوتبال این شهر در گذشته، منفعل بوده وحرکتی فعال، موثر و پیشگیرانه انجام نداده‌اند.

به هر حال باید اذعان نمود که درخصوص سقوط سریالی تیم فوتبال ایرانجوان در ادوار گذشته، به بخشهائی اشاره می شود که مهمترین آن‌ها مربوط است به حوزه ستادی ورزش استان که به وظایف ذاتی خود در سال‌های گذشته و در افول و سقوط این باشگاه وحتی شاهین بوشهر به درستی و به موقع عمل نکرده و قصوراتی داشته زیرا بر این باورند که جایگاه فوتبال بوشهر به ویژه ایرانجوان هر جائی باشد فرقی وتاثیری در بخش مدیریتی دستگاه خود نداشته و نخواهد داشت، به این علت، سقوطی که ضرری متوجه حوزه ستادی ورزش استان نکند پس صعودی هم به دنبال نخواهد داشت، و چه نیازی به ورود کردن و مساعدت لازم.

بخش دیگری هم بر می گردد به صاحبان این باشگاه که به نحوی خود را موسس یا مالک یا هیئت مدیره می‌نامند که رسم امانی بودن باشگاه انتظار است که املاک آن را در راستای منافع باشگاه و در ماهیت باشگاه‌داری صرف کنند.

ضمناً سالها گذشته از میزان درآمد و اموال و املاک باشگاه کسی باخبر نیست و مسئولینش هم اجباری به شفاف سازی، اطلاع رسانی و در جریان قرار دادن مردم و هواداران ندارند.

آقایان متولی ورزش استان چه دستگاهی باید برای حل مشکلات فعلی باشگاه ورود کند؟ چرا شما با استفاده از اختیارات قانونی خود و بدون فوت وقت به وضعیت فعلی باشگاه ایرانجوان که نیاز به تغییرات ریشه‌ای از صدر تا ذیل دارد اقدام عملی انجام نمی دهید؟ چرا با راهکاری قانونی و با مشخص نمودن اعضای هیئت مدیره جدیدی که آزمون پس داده باشند و در فرایند تیره روزی‌های باشگاه نقشی نداشته‌اند اقدام نمی کنید؟

متولی ورزش استان، شما با تعیین وضعیت موسس و مدیرعامل، نقش خود را در کیفی کردن فعالیتهای آینده باشگاه ایفاء و هواداران باشگاه را از این همه حقارت و کوچک شدن نجات داده و باشگاه را به اقتدار گذشته خود برگردانید. شاید این حرکت شما جبران مافات نموده ودل مردم را به دست آورده و شاد نمائید. بایدایرانجوان را از این حالت خارج کنید، این باشگاه نیاز به خونی تازه دارد که در رگهایش به جریان در آید، پس فکر تازه، مدیریت نو، عوامل نو، نیاز امروز ایرانجوان است.

مصاحبه با مجتبی نجفی بازیکن فوتبال ساحلی پارس جنوبی بوشهر:
جای خالی آقای گل در تیم ملی فوتبال ساحلی

مصاحبه از امیر حسین صالحی زاده



– با این چهار گلی که مقابل صدرشیمی به ثمر رساندید چند گله شدید و بعد از شما چه کسایی در رده‌های بعدی قرار دارند؟
– با این چهار گلی که زدم در ده بازی ۱۳ گله شدم و به صدر جدول گلزن‌ها رفتم. بعد از من علی میرشکاری دوست و همشهری من از گلساپوش یزد با ۱۱ گل و بعد محمد علی مختاری از گلساپوش یزد ۱۰ گله میباشد.
– آیا قول می‌دهید امسال نیز مانند سال گذشته آقای گل شوید؟
– من قول نمی‌دهم که اقای گل بشوم چون در فوتبال ساحلی هر لحظه امکان مصدوم شدن بازیکن هست، پارسال ۲۰ گل زدم و ۴ هفته قبل از لیگ تمام بشود دنده‌ام شکست و مصدوم شدم و خدا را شکر فاصله گل‌های من با رقیب هایم آن‌قدری زیاد بود که با ۴ بازی کمتر با اختلاف سه گل آقای گل لیگ شدم و امسال هم همه تلاشم را می کنم که آقای گل بشوم و دست از تلاش بر نمی‌دارم. در ضمن اگر هم تیمی‌های خوب من نبودند شاید من ۵ گل هم نمی‌زدم . دلیل آقای گلی من بازیکنانی با سبک بالا و کلاسیک در تیم هستند.
– شما در لیگ برتر و چند تورنمت دیگر آقای گل شدید چرا به تیم ملی دعوت نمی‌شوید؟
– من در لیگ برتر اکثرا سعی کردم یکی از بهترین گلزن‌های تیمم باشم و به تیم کمک کنم. دوسال پیش با ۱۶ گل با اختلاف یک گل نفر دوم گلزن‌های لیگ شدم، پارسال با ۲۰ گل آقای گل لیگ شدم، امسال هم با ۱۳ گل آقای گل لیگ هستم و ۸ بازی دیگر در پیش روی من هست و امیدوارم بتوانم آقای گل بازیها بشوم. من در تورنمنت بین‌المللی خلیج فارس در گناوه آقای گل شدم در تورنمنت دهه فجر با حضور کل بازیکنان تیم ملی آقای گل شدم. در تورنمنت دانشگاه‌های کشور اقای گل شدم. در تورنمنت جام رمضان فوتبال ساحلی استان بوشهر آقای گل شدم.در تورنمنت اداره بنادر در کیش با حضور در تیم کیش آقای گل بازیها شدم. خیلی ها از من این سوال را پرسیدند هر کسی دوست دارد به تیم ملی برسد من هم هیچ وقت دست از تلاش بر نمی‌دارم و به نظر سرمربی تیم ملی احترام می گذارم.
– تاکنون چه مقام هایی در لیگ برتر فوتبال ساحلی به دست آوردید؟
– من ۷ قهرمانی و ۵ نائب قهرمانی و دو جایگاه سومی در لیگ برتر با تیم کسب کردم. در بین تمام بازیکن‌های لیگ برتر، فقط سه بازیکن به نام‌های مصطفی کیانی و مسلم مسیگر و مجتبی نجفی هستند که توانستد در لیگ برتر فوتبال ساحلی این مقامها رو کسب کنند.
– بنظر شما بهترین بازیکن فوتبال ساحلی در ایران چه کسی است؟
– در مورد بهترین بازیکن فوتبال ساحلی ایران نمی توانم اسم یک نفر را بیاورم، از نظر من مسلم مسیگر و محمد احمدزاده بهترین بازیکنان فوتبال ساحلی آسیا هستند نه ایران. من با هر دو آنها هم‌بازی بودم و الان با مسلم مسیگر هم‌بازی هستم و می‌توانم بگویم در حال حاظر بهترین و باهوش‌ترین دفاع ایران با اختلاف مسلم مسیگر هست. من اهل بازار گرمی یا تعریف دادن الکی به کسی نیستم، مسلم داخل بازی یک مهندس هست.

شاهین تابان بوشهر در آستانه فروش

مدیرعامل باشگاه شاهین تابان بوشهر گفت: در نبود حامی مالی مناسب برای تیم‌داری و وجود یک سری مشکلات اداری، فعالیت تیم فوتبال شاهین تابان میسر نبوده و امتیاز تیم در آستانه فروش قرار دارد. پرویز عبدی در گفت‌وگو با ایرنا اظهار کرد: در فصل گذشته مسئولانی به صورت معنوی کنار تیم شاهین بودند ولی کمک درخور و قابل توجهی به تیم شاهین تابان نداشتند.

وی بیان کرد: خوب است فوتبال دوستان هم‌استانی و به ویژه هواداران شاهین نیز بدانند که در سال گذشته هدف مدیریت باشگاه، تیم‌داری در سطح بالا نبوده و بنابر شرایطی که شهرداری حاضر به تیم‌داری نبود و متقاضی نیز برای شاهین وجود نداشت تصمیم به تیم‌داری و حفظ سهمیه تیم در لیگ دسته ۲ فوتبال کشور شد.

مدیرعامل باشگاه شاهین تابان بوشهر ادامه داد: با این حال مقرر شد امتیاز تیم شاهین در سال گذشته حفظ شود تا تیم در فصل جدید با شرایط بهتری پا به رقابت‌ها ولی با این وجود تاکنون اقدامی برای حمایت از تیم فوتبال شاهین تابان نشده است.

وی گفت: همچنین مقرر بود از محل مسئولیت‌های اجتماعی وزارت نفت ۱۰ میلیارد تومان برای حمایت از شاهین تابان مصوب شود که این بودجه نیز تاکنون تامین نشده است.

وی گفت: در سال گذشته هواداران اذیت شدند و دوست نداریم شاهین همانند سال قبل و با مشکلات متعدد وارد رقابت‌ها شود چرا که این وضعیت به فوتبال و حیثیت ورزشی استان نیز لطمه نخورد.

چنان‌چه قرار بر تیم‌داری شاهین است باید این مهم به زودی مشخص و در غیر این صورت بازیکنان تعیین تکلیف شوند.

وی افزود: در نشست‌هایی با اداره کل ورزش و جوانان استان بوشهر، خروجی لازم نداشته و استانداری بوشهر نیز به مکاتبه‌های باشگاه شاهین پاسخ مناسبی نداده است.

عبدی‌پور ادامه داد: شاهین تابان برای تیم‌داری تنها تا پنج شهریور فرصت دارد و باید بازیکنان پایه هر سه رده را معرفی کند که با توجه به نبود شرایط مناسب، بدهی‌های موجود و مشکلات اداری به دنبال دریافت مجوز فروش و واگذاری باشگاه هستیم.

پیشکسوتان مکتب داری و آموزش قرآن در بنک شهرستان کنگان؛
ملاحاجی و حاج علی علی‌دوست:

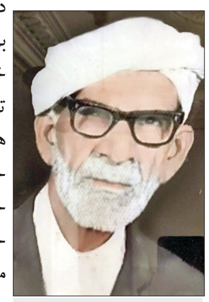
مکتب‌داری در زمان قدیم

خیرالنساء علی‌دوست

در واپسین سال‌های حکومت رو به زوال قاجار و در حالی که جنگ جهانی اول، همه ی جهان و منطقه را در شعله‌های مهیب خود در برگرفته بود، در خانواده ای معتبر و اصیل از طایفه ی «شویخاتی‌های» بنک، از پدری به نام عبدالله و مادری به نام فاطمه فرزندی چشم به جهان گشود. تولد این کودک، واقعه ی امید بخشی بود که علی رغم اخبار ناخوشایندی که از هر طرف می رسید، پرتویی از امید را در دل پدر و مادر میانسال بنکی روشن نگه می داشت.
عبدالله پسر علی، معروف به «زیاد» برای تیمن و تبرک و به امید آن‌که نوزاد نو رسیده اش آرزوی در دل مانده اش را برآورده کند و روزی بتواند به خانه ی خدا مشرف بشود، نام او را حاجی گذاشت. حاجی خردسال آخرین فرزند این خانواده‌ی کشاورز بنکی بود.
پدر، از همان ابتدا با دیدن هوش و ذکاوت آخرین فرزندش نسبت به آینده ی او امیدوار تر می شد. در آن زمان در کل منطقه نه جاده ای وجود داشت، نه مدرسه ای و نه هیچ مرکز بهداشتی دایر شده بود، با این حال عبدالله پسر زیاد آرزوی باسواد شدن فرزندش را در دل می پروراند و امیدوار بود که بتواند در آینده جایگاهی را در بین اهل قلم و قاریان قرآن در منطقه به دست آورد.

تحصیل در مکتب و مدرسه:
زمانی که حاجی ۱۲ ساله شد، نخستین مدرسه نوین دولتی در کنگان تاسیس شد، اما حاجی خردسال نمی توانست فاصله ی یک فرسنگی بنک تا کنگان را هر روز بپیماید و در مدرسه ی دولتی درس بخواند. بنابراین تنها راه باسواد شدن، تلمذ در مکتب خانه ای بود که مرحوم « ملا حاجی ابول» در بنک راه اندازی کرده بود.
ملاحاجی ابول در اصل از اهالی «شُنبه» از توابع منطقه دشتی بود اما سال ها بود که در بنک سکونت داشت و در مکتب خانه ای که در خانه ی شخصی خود دایر کرده بود، به کودکان بنکی قرائت قرآن را آموزش می داد.
حاجی عبدالله زیاد چند ماه نزد این ملا آموزش دید و پیشرفت بسیار خوبی در آموختن قرائت و مفاهیم قرآن حاصل کرد.
پدر که خود نیز علاقمند بود که پسرش دروس قرآن و دینی بیشتری بیاموزد، وقتی این استعداد فرزند خود را مشاهده کرد تصمیم گرفت تا شرایط بهتری را برای تحصیل آخرین فرزند خود فراهم آورد. این بود که مقدمات اعزام او به کنگان را فراهم کرد تا در آن‌جا بتواند از کلاس‌های درس مرحوم حاج شیخ عبدالحسن بحرانی معروف به «شیخ حسن» استفاده کند.
در آن زمان مریم، خواهر بزرگ حاجی با یکی از اهالی محله کوزه گری ازدواج کرده و در کنگان زندگی می کرد. حاجی شب ها در خانه‌ی خواهرش اقامت می کرد و روزها در مکتب خانه حاج شیخ حسن که در محله ی وسط شهر فعلی نزدیک به محلی که الان فلکه ی موجود در خیابان وحدت قرار گرفته بود، به سر می برد.
کلاس های مکتب خانه، صبح ها از طلوع آفتاب تا اذان ظهر و از ساعت دو و نیم بعد از ظهر تا اذان مغرب ادامه داشت. یک سال بیشتر طول نکشید که حاجی نوجوان کل قرآن را ختم کرد و در قرائت قرآن و متون، استعداد شایسته ای از خود نشان داد.
حاج شیخ حسن در مکتب خانه خود به بچه هایی که قرآن را ختم می کردند و علاقه مند به ادامه تحصیل بودند، کتاب‌های دیوان حافظ، گلستان سعدی، خزائن الاشعار و مخازن الاشعار، کلیات هفت جلدی در مناقب و مصائب ائمه‌ی اطهار و اشعار و نوحه خوانی و سینه زنی و دیوان جودی عنبرانی و صامت بروجردی و نوشتن را آموزش می‌داد. حاجی پس از اتمام قرآن، مدتی را نیز نزد شیخ حسن ماند و نوشتن و قرائت تعدادی از کتاب‌های یاد شده را آموخت.
پس از این‌که حاجی، ۱۳ سالگی را پشت سر گذاشت، شیخ حسن تشخیص داد که بهتر است شاگرد نوجوانش مدتی را هم در مدرسه دولتی نظام نوین مشغول به تحصیل گردد. این موضوع را به پدر حاجی متذکر شد و حاجی در ۱۴ سالگی در مدرسه ای که در محله کوزه گری نزدیک به خانه خواهرش و در منزل مرحوم محمد دشتی مطلق دایر بود، نام نویسی کرد و مدت دو سال نیز در این مدرسه درس خواند.

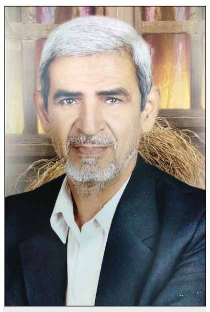
اسامی هم دوره های حاجی علی دوست در دبستان سنایی کنگان:
حاجی تا دوران پیری هم، اسامی اکثر هم دوره ای های دوران تحصیل در مدرسه ی کنگان را به خاطر داشت و خاطره هایی را برای فرزندان و نوه‌های خود تعریف می کرد.


مرحوم ملاحاجی علی دوست

تعدادی از هم دوره‌ای های کنگانی و بنکی حاجی عبارت بودند از: حاج عبدالله دشتی مطلق، حاج حسین دشتی مطلق، محمد علی راشدی، علی راشدی مشهور به علیشاه و برادرش محمد، ماجد سلطان راشدی، اسماعیل سلامی و برادرش عبدالرحمان، شیخ جبار نصوری، یوسف واقف و برادرش ابراهیم، ملا سالم جاسمی، حاج عبدالرضا صفایی، حاج علی صفایی و حاج حسن محمدی.

ترک تحصیل حاجی و برگشت به بنک:
حاجی عبدالله زیاد که بر اساس نام جدش علی، نام خانوادگی علی دوست را برای خود برگزیده بود، در سال سوم مدرسه دولتی نیز نام نویسی کرد اما هنوز دو سه ماهی از مدرسه نگذشته بود که پدرش دار فانی را وداع گفت و برادرش محمد پس از فوت پدر، حاجی را از رفتن به مدرسه منع کرد و او را به بنک برگرداند. حاجی به ناچار درس و مشق را رها کرد و هر چند هنوز دل در گرو کلاس و درس و کتاب داشت، اما برای کمک به برادر در امور کشاورزی به بنک برگشت.

دوستی و رفت و آمد حاجی با هم مدرسه‌ای‌هایش پس از ترک تحصیل:
حاجی از یک طرف چندان به کار کشاورزی دل نداده بود و از دیگر سو امکان برگشت به فضای درس و کتاب و قلم را نداشت. این بود که با وجود اشتغال تمام وقت به کشاورزی، ارتباطش را با همکلاسی های خود حفظ کرد و هم این‌که فرصتی و فراغتی از کار مزرعه پیدا می‌کرد، به منازل دوستان باسواد و درس خوانده اش می رفت تا با استفاده از کتاب های آن‌ها و شنیدن مطالب جدیدی که در کلاس ها شنیده بودند، مباحث مورد علاقه‌ی خود را از زبان آن‌ها بشنود.
دوستان حاجی: از جمله کسانی که حاجی عبدالله زیاد با آن‌ها حشر و نشرداشت و رفاقت و دوستی عمیقی بین آن‌ها وجود داشت، می توان از این افراد نام برد: مرحوم صالح سلطان راشدی، شیخ سلیمان نصوری، شیخ جبار نصوری، مرحوم محمد احمد سلطان ابولی، مرحوم محمد حسن یوسف راشدی و برادرش علی معروف به علیشاه، مرحوم محمد علی ابراهیمی، محمد علی راشدی، شیخ عبدالحسن بحرانی، حاج محمد بحرانی، حاج حسن زائر احمد رحیمی، حاج حسن علی حیدری، ماجد سلطان راشدی، حاج احمد حاج سلطان راشدی.
این افراد بلا استثنا از افراد با نفوذ و معتبر کنگان و بنک به شمار می‌آمدند.
ازدواج و کار:
حاجی در ۲۳ سالگی با دختری از بستگان خود به نام کنیز حیدری فرزند حیدر ازدواج کرد که حاصل این ازدواج نه پسر و پنج دختر بود. از این تعداد فرزندان فقط دو پسر و چهار دختر باقی ماندند و بقیه در همان دوران طفولیت در اثر بیماری‌های مختلف از دنیا رفتند. فاطمه متولد سال ۱۳۲۲، علی متولد سال ۱۳۲۳، زینب متولد سال ۱۳۲۴، مریم متولد سال ۱۳۲۹، عباس متولد سال ۱۳۳۱، رقیه متولد سال ۱۳۴۱، فرزندانی بودند که خدا آن‌ها را برای حاجی باقی گذاشت.

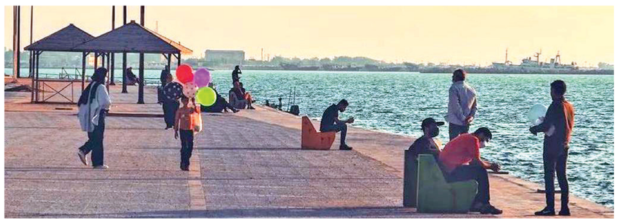

حاج علی علی دوست

حاجی به منظور تأمین معاش خانواده به کار کشاورزی پرداخت و بیشتر دوران جوانی خود را به کشت پیاز یا گندم یا جو گذراند.
اذان گویی، نوحه خوانی، پیشخوانی و دیگر فعالیت‌های فرهنگی حاجی:
حاجی هر ساله در ماه مبارک رمضان جلسات مقابله و قرآن خوانی در منزل مسکونی خود راه اندازی می کرد. چون در آن زمان در بنک مسجدی مخصوص اهل تشیع ساخته نشده و تنها مسجدی که در بنک وجود داشت متعلق به اهل سنت بود، حاجی روزی ۳ بار به عنوان اذان گوی اهل تشیع بنک، از محل حیاط خانه خود به طریقه ی اهل تشیع اذان می‌گفت. او علاوه بر اذان گویی به دلیل صدای خوب و اشعار و مرثیه‌های فراوانی که از حفظ داشت، در حسینیه های کنگان و بنک به روضه خوانی و مداحی و پیش خوانی نیز می پرداخت و به همین سبب در بین مردم کنگان و بنک و منطقه به ملاحاجی مشهور



شده بود.
همکاری اداری با مامور ثبت احوال کنگان:
ملاحاجی به خاطر سواد و همچنین به دلیل دوستی دیرینه‌ای که از دوران کودکی با مرحوم زائر مالک سروش، مامور ثبت احوال کنگان داشت، با اداره ثبت احوال کنگان نیز همکاری می‌کرد. مرحوم زائر مالک از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۴۵ مامور صدور شناسنامه برای خانواده‌های بنکی و فرزندان تازه متولد شده آنان بود. ایشان هر چند ماه یکبار به بنک می آمد و به مدت ۳ الی ۴ شبانه روز در خانه ملاحاجی اقامت می کرد و در این مدت امور مربوط به ثبت احوال و امور شناسنامه های مردم بنک را انجام می داد.

تنها فرزند حاجی که به کار مکتب داری پرداخت:
علی فرزند چهارم حاجی و بزرگترین فرزند پسری او بود که در سال ۱۳۲۳ متولد شد. از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ به مدت دو سال در مکتب خانه ای که مرحوم ملا سالم جاسمی امام جمعه و جماعت اهل سنت بنک در خانه ی مسکونی خود تاسیس کرده بود به آموختن قرائت قرآن پرداخت. مرحوم ملا سالم در اصل از اهالی روستای تمبک بود که بنا به درخواست مرحوم صالح سلطان راشدی و مساعدت او برای تصدی امور دینی و پیش نمازی در تنها مسجد موجود در بنک، به این روستا آمد و در آن سکونت گزید.
علی علی دوست در سال اول موفق شد قرآن را ختم کند و قرائت قرآن را به خوبی فرا بگیرد. در سال دوم، کتاب های مخصوص اکابر را که در مدارس دولتی به بزرگسالان آموزش داده می شد، نزد ملا سالم خواند و نوشتن فارسی و عربی را نیز به خوبی فرا گرفت. در سال سوم که مقدمات آموزش را به طور کامل فرا گرفته و به اصطلاح آن زمان «ملا » شده بود، بنا به درخواست مرحوم ملا سالم در کار آموزش اطفال به مساعدت او پرداخت.
چون تا آن زمان هنوز در بنک مدرسه ی دولتی وجود نداشت، علی در سال ۱۳۳۲ در مدرسه ی سلیمانیه ی کنگان که تنها آموزشگاه دولتی کنگان بود نام نویسی کرد. مدیر مدرسه در همان روز اول متوجه شدند که علی مقدمات خواندن و نوشتن و حساب را بلد است، بنابراین امتحانی از او گرفتند و چون در امتحان موفق شد، او را در کلاس دوم ابتدایی پذیرفتند. او تا سال ۱۳۳۶ در این مدرسه درس خواند و در این سال موفق شد مدرک ششم ابتدایی خود را دریافت کند.
تاسیس مکتب خانه در محله ی شمالی بنک:
کلاس های قرآن در مکتب خانه ی ملا سالم همچنان دایر بود اما روستا پرجمعیت تر و بزرگ تر شده بود و می طلبید که در محله ی شمالی بنک که با مسجد محل تشکیل کلاسهای ملا سالم فاصله داشت، مکتب خانه ی دیگری دایر شود.
علی که در سال ۱۳۳۷، پایه ی ششم را در مدرسه به پایان برده و خواندن و نوشتن و سواد ابتدایی را کاملاً آموخته و نیز کلاس داری و آموزش به اطفال را در مکتب خانه ی مرحوم ملا سالم تجربه کرده بود، به پدرش حاجی پیشنهاد داد که خود آنها هم در خانه ی مسکونی خود مکتب خانه ای راه اندازی کنند.
پدر پیشنهاد فرزندش را پذیرفت و پدر و پسر، پس از کسب اجازه از استاد علی، یعنی مرحوم ملا سالم، در همان سال؛ با کمک دیگر اعضای خانواده، کلاس های تعلیم قرآن را شروع کردند.
سال بعد تعدادی از دوستان حاجی که ساکن قریه ی لمبدان پایینی بودند، از او خواستند که در روستای آن‌ها هم مکتب خانه ای دایر کند. مرحوم ملاحاجی به اداره ی مکتب خانه ی خود ادامه داد، اما فرزندش علی را برای تاسیس یک مکتب خانه به لمبدان پایینی اعزام کرد.
علی علی دوست در حسینیه ی حاج حسین دشتی مطلق، مکتب خانه ای دایر کرد و به مدت دو سال متوالی در آن‌جا به آموزش قرآن به اطفال روستا پرداخت.
اسامی تعدادی از شاگردانی که در کلاس های حاج علی علی دوست قرائت قرآن آموختند:
مرحوم گرگعلی زبیری، مرحوم حاج مصیب دشتی مطلق، مرحوم حاج قاسم دشتی مطلق، مرحومه معصومه دشتی مطلق، سلمان زبیری، عبدالله زبیری، حاج کرم زبیری فرزند عباس، امیر حسین مختار، نگهدار زبیری، مرحوم محمد دشتی مطلق فرزند حسن حاج حیدر، خلیل دشتی مطلق فرزند حاج عبدالحسین، مرحوم حاج حمزه دشتی مطلق، عبدالله میگویی فرزند ماندنی.



صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف‌پور

مدیر مسئول وسردبیر: دکتر یونس قیصی‌زاده

نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰، دفتر نسیم جنوب

تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷

تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹

لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

nasimjonoub.com

نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن های تماس

۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹

۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰

www.nasimjonoub.com

تایید حکم اخراج دائم از کار محمود ملاکی معلم بوشهری



کانون صنفی معلمان استان بوشهر در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که دادگاه تجدیدنظر هیات تخلفات وزارت خانه آموزش و پرورش حکم انفصال دائم، اخراج، محمود ملاکی بازرس این کانون را عینا تایید نموده است.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن حمایت از محمود ملاکی، صدور پیاپی احکامی چون کسر گروه، بازنشستگی اجباری، انفصال از خدمت و ... علیه معلمان را از سوی وزارت آموزش پرورش محکوم نموده است.

محمود ملاکی، معلمی بوشهری است که هم اکنون در زندان مرکزی بوشهر دوران محکومیت یک‌ساله خود را می گذراند.

مطبوعات بوشهر را چه شده است؟

عبدالرحمن برزگر



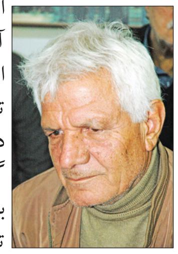
مطبوعات قدیم بوشهر رو که ورق میزنی مملو از مقالات و تحلیل های عملکرد مدیران آن زمان است، فارغ از فشارهای دولت و حکومت شاهنشاهی، از کمبود ارزاق عمومی، تا تامین آب، ناکارمدی گمرک، یا این که چرا باید فرهنگ و هنر زیر نظر شیراز اداره شود؟ زیر سوال بردن شهردار و فرماندار و یا در جایی دیگر حتا نخست وزیر را به باد انتقاد می گرفتند که پس قطار و بندر آزاد چه شد؟

در زمان دوم خرداد و فضای باز سیاسی و پس از آن نیز چنین بود؛ از دوشنبه‌های شعر تا چهارشنبه‌های سیاسی و یک شنبه‌های هفت اقلیم، تا نشست‌های مختلف ورزشی، هیجان و انگیزه برای اصلاحات موج میزد. اما مطبوعات بوشهر در سال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۱چه شده است؟ صرفا مشغول گزارش‌های تبلیغاتی و رپرتاژ، خبرهای فیک و سوخته و کپی‌برداری، عدم تولید محتوای مطبوعاتی هستند. قطع و ابعاد کوچکتر، تیراژ اندک تا جایی که به چند تیتر اکتفا کرده‌اند. بطور کلی کارکرد نیز تغییر کرده، آن‌چه که روابط عمومی‌ها می‌نویسند درج می گردد. «شایان ذکر است. گفت. افزود» واژه های پر تکرار این روزهای مسئولان است. گاهی گروه واتساپی با تغییر ادبیات و تدوین خبر، انتشار اخبار به روز و بجا، گوی سبقت رو می‌رباید. چه بر سرتان آمده؟ گروه فشار نمی‌گذارد؟ یا خودسانسوری امان‌تان را بریده؟

اداره فرهنگ و ارشاد با عملکرد ضعیف چنان می‌تازد که حتا آگهی هم به ندرت به مطبوعات منتقد می‌دهد. آگهی‌ها از جاهای همسوی‌شان سر در می‌آورد. برای گرفتن آگهی مدیران کل قبل از افروغ را به باد انتقاد می گرفتید و حتا فریاد هم برآوردید و عملکردشان را در بوته نقد قرار می‌دادید. کاملا مشخص است که مطبوعات بوشهر خالی از نویسنده شده است. ارشاد خالی از هنرمند، سینما، موسیقی و نمایش شده است. شاید هم هنوز خالص سازی به اتمام نرسید؟

چراغ مطبوعات محلی بوشهر را خاموش نکنید!

ناصر علیخواه



انتشار لیست مفصلی از چاپ آگهی‌های مزایده و مناقصه ادارات استان بوشهر که توسط اداره ارشاد بوشهر در نشریات بی نام و نشان و گمنام سایر استان‌های کشور به چاپ رسیده‌اند، مایه تاسف شد. سال‌هاست که مطبوعات محلی و مردمی استان بوشهر در صف مقدم فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی قرار دارند و عملکرد قابل قبول و پر افتخاری را از خود نشان داده‌اند، ولی متاسفانه در سال‌های اخیر تعداد زیادی از این مطبوعات محلی بوشهر به خاطر عدم حمایت کافی و نبود آگهی که منبع اصلی درآمد و باعث ادامه فعالیت آنهاست، از انتشار منظم باز مانده‌اند. حتی تعدادی از این مطبوعات به همین خاطر لغو امتیاز شدند و تعدادی دیگر نیز که به طور مستقل فعالیت می کنند دیگر به طور منظم چاپ نمی‌شوند و تعداد زیادی از خوانندگان در سراسر استان در استفاده مرتب از مطالب این مطبوعات محروم شدند.

در این شرایط وخیم وضعیت مطبوعاتی استان بوشهر که دیگر نشریات هم با بدهی و ضرر و زیان منتشر می‌شوند، خبر چاپ انبوهی از آگهی‌های دولتی مزایده و مناقصه در نشریات مجهول و بی نام و نشان سایر استان‌ها که حتی نامشان نیز به گوش بوشهریها نخورده است، فاجعه آمیز و غیرقابل درک است!

جناب آقای افروغ به عنوان مدیرکل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر که متولی توزیع این آگهی‌های دولتی استان بوشهر است درباره چاپ این آگهی‌های استان بوشهر در نشریات خارج از استان بوشهر همانند «افسانه، امین، اترک، اسکناس، کائنات،خریدار، جمله، سایه، کیمیا، معین، بشارت نو، نوآوران، توسعه ایرانی، اقتصاد بومی، پیام زمان، پیشرو، فرصت امروز، اسرار، اقتصاد بومی، افکار، تماشاگران امروز، بیان ملی، شاخه سبز، امتیاز، ایده روز، پیام ما، رویداد امروز، ستاره صبح، راوی ملت، تلاش ملی، یادگار امروز، شیراز نوین...»، چه پاسخی در برابر افکار عمومی در بوشهر دارد؟! این نشریات گمنام را از کجا پیدا کرده است و روی چه حسابی آگهی‌های استان بوشهر به جای مطبوعات محلی به آنها داده میشود؟ آیا خود مدیرکل ارشاد تاکنون یک نسخه از این نشریات گمنام را دیده و یا خوانده است؟

آقای استاندار که خواستار رونق فعالیت فرهنگی و رسانه‌ای در استان است چه کاری برای فعال کردن رسانه‌های استان انجام داده است؟! در این شرایط انتظار این است که حداقل دستور بررسی این موضوع را داده و از حقوق فرهنگی و مطبوعاتی مردم بوشهر دفاع نماید.

زمانی بود که هر هفته خود را به کیوسک‌های مطبوعاتی می‌رساندیم تا با خرید مطبوعات محلی از مطالب، مقالات و مصاحبه‌های خواندنی آن‌ها استفاده کنیم. افسوس که خیلی از آن مطبوعات بخاطر سوءمدیریت و تضییع حقوق آن‌ها دیگر منتشر نمی‌شوند و صداهایی که مسائل و مشکلات مردم را به گوش مسئولان می‌رساندند خاموش و یا در حال خاموشی هستند. امیدوارم که آگاهانه و با برنامه‌ریزی، کمر به خاموش کردن مطبوعات محلی استان بوشهر که صدای مردم بوشهر در این مدت بوده‌اند، نبسته باشند و با تصحیح این رویه و روش غلط، صداقت خود را در این مورد نشان دهند.

دیدار با معلمی سخت‌کوش و پیشکسوت آموزش و پرورش بوشهر



عالی بازدار: افتخار داشتیم که در راستای برنامه‌های کانون بازنشستگان آموزش و پرورش بوشهر به دیدار یکی از پیشکسوتان آموزش و پرورش برویم.

ناصر علیخواه آرام و متین منتظر ما بود. ساعتی همراه با این شخصیت فرهنگی و صاحب تالیفات بودیم. در گفتارش دغدغه فرهنگ و آموزش و پرورش نمایان بود.از آغاز ورود به دبستان گفت و قبل از آن مکتب خانه.

در مکتب خانه علاوه یادگیری قرآن در ۶ ماه، از توانایی خواندن برخوردار شد برای همین وقتی او را برای ثبت نام در کلاس اول دبستان بردند مسئولان وقت گفتند باید در کلاس دوم بنشینی چون سواد خواندن داری. سال ۱۳۳۵/۳۶ وارد دانشسرای مقدماتی شد و سال ۱۳۳۸ اولین فعالیت آموزگاری را در بردخون آغاز کرد. آن زمان به معلم مجرد، خانه برای اسکان نمی‌دادند حتی با پادر میانی رئیس پاسگاه اهالی محل قانع نشدند.ناچار در چهار دیواری شبیه به .....سکنی گزید. پس از چند سال (۱۳۴۸) عازم بوشهر شد و این بار وی را به کنگان اعزام کردند. گفتند چون دیپلم داری باید هم دبیرستان را مدیریت کنی و هم تدریس.

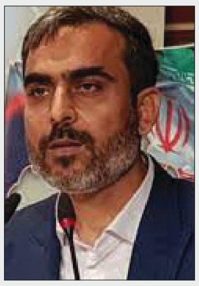
به علت بیماری فرزندش به بوشهر نقل مکان کرد و زنده یاد علی نهاری، از فرهنگیان خوشنام بوشهر اتاقی را در اختیارش قرار داد. علیخواه می گوید هر کاری کردم که علی نهاری کرایه خانه را بگیرد قبول نمی کرد و گرفتن کرایه خانه را برای خودش ناشایست می‌دانست. علیخواه در آن دوران با نشریاتی چون نگین و خوشه در ارتباط بود.

از استاد شهریار و ملاقات حضوری با وی صحبت کرد و از ارتباطش با زنده یاد منوچهر آتشی گفت و خاطره ای از بیماری رئیس غلوم رزمی.

با فرزند رئیس غلوم دوست بود به همین علت از علیخواه کمک خواست تا دکتر قهرمانی را به دشتی (لاور) بیاورد. علیخواه بیشتر ساعات شبانه روز را به مطالعه می پردازد . اشاره ای به فایز و مفتون و بابا طاهر داشت و گفت ما قرابتی خاص با این شاعران داریم. برای جناب علیخواه و سایر پیشکسوتان یا گنجینه های آموزش و پرورش آرزوی سلامتی و شادکامی داریم.

اکبر نهاری، علی دباش، نعمت اله شیخ سقا و عبدالرسول زاهدی در این دیدار همراهی کردند.

شکایت مدیرکل فرهنگ و ارشاد از روزنامه نگار بوشهری





خبر می‌رسد که عبدالرحیم افروغ مدیرکل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر، علیه سیامک برازجانی (نویسنده، روزنامه نگار و مطالبه‌گر سیاسی - اجتماعی) شکایت نموده است.

این روزنامه‌نگار انتقاداتی را در خصوص مدیریت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر در کانال خبری «لید نیوز» مطرح نموده است.

از سیامک برازجانی، تاکنون چندین کتاب نیز منتشر شده است.

بنر اعتراضی تیم دراگون‌بوت سکان در فرودگاه بوشهر؛

تقدیم مدال جهانی به مردم، غیر از مسئولان!



اعضا تیم دراگون‌بوت سکان اعتراض خود به مسئولین را نشان دادند. به گزارش "ورزش بوشهر"؛ اعضای تیم دراگون بوت سکان بوشهر که در مسابقات جهانی قایقرانی به نایب قهرمانی دست یافتند، در برگشت به بوشهر مدال خود را به ورزشکاران و عموم مردم به غیر از مسئولان تقدیم کردند. ورزشکاران بوشهری در بازگشت به زادگاه شان با در دست گرفتن بنر اعتراضی، کمک لطفی مسئولان را نسبت به ورزشکاران یادآور شدند. در این بنر که از طرف ورزشکاران رشته قایقرانی می باشد، آمده: «کسب مدال های طلا و نقره جام جهانی تایلند در رشته دارگون بوت را به شما جامعه ورزشی و عموم مردم به غیر از مسئولان تبریک عرض می نماییم.»



تیم بوشهر با اختلاف یک صدم ثانیه به مقام دومی بخش دراگون بوت این مسابقات رسید. گفته می شود هزینه اعزام تیم سکان بوشهر و قایق آنان به مسابقات جهانی بالغ بر دو میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان شده که ظاهرا تنها ۱۰۰ میلیون تومان از سوی اداره کل ورزش و جوانان کمک شده و هیچ مجموعه دیگری به کمک این تیم نیامد و آن‌ها با هزینه شخصی راهی مسابقات شده و درخشیدند.